

گپ روز

مشکلات رفتار شبکه‌های در ایران

دبدر نظر گرفتن عجزهای مختلف اجتماعی صورت می‌گیرد. فراوانی آدهایی که از این طریقه‌ها استفاده می‌کنند، اگرچنان هستند که عمدتاً خواسته‌ها و نیازهای برآورده نشده بسیاری دارند و همین می‌شود که افراد برای رفع همین گورها آبروی تفریح و سرگرمی از طریقه شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند، نکته اما اینجاست که در جامعه ما چنان‌که از این به شکل منفی استفاده می‌شود تا دیگران را از صحنه و لایق خراج کند، علل آن کثرت‌ها به ریشه‌های اجتماعی و اقتصادی جامعه ایران برمی‌گردد که جامعه‌شناسان باید مورد بررسی قرار داده و با بررسی رفتارشناسانه، راهکارهایی برای برپورفتن از این موقعیت ارائه دهند.

شما به عنوان صاحب نظر علوم ارتباطات فکر می‌کنید چه راهکاری می‌توان برای کاهش از برخی استفاده‌های نامطلوب از این شبکه‌ها ارائه داد؟

به نظر من یک کار مهم این است که نهادهای آموزشی و نهادهای یاددهنده از بهیهای کودک و مدارس گرفته تا دانشگاه‌ها، تربیون‌ها و سمنارهایی که با مردم به‌طور مستقیم و بدون واسطه گفتگو می‌کنند، بر گزار کنند تا فرهنگسازی شود. ما باید بتوانیم داده‌های بیشتری در اختیار مردم قرار دهیم تا آگاهی عمومی افزایش یابد و مردم درک کنند که محیط‌های مجازی محل عقده‌گشایی و توهین و فحاشی نیست و در مقابل این واقعیت برای مخاطبان و کاربران این شبکه‌ها نهادینه کنیم. طریقه شبکه‌های مجازی خوب برای یاد دادن دانش و آگاهی در حوزه‌های مختلف و شکوفاتر شدن و پیش‌انسان نسبت به چنان در اختیار دارند و می‌توانند از آن به بهترین نحو ممکن استفاده کنند.

نکته‌های زیاد ما در این حوزه شبکه‌های نوین ارتباطی آمده‌اند تا مشکلاتی را از ما حل کنند. این که مشکلی بر مشکلات ما بیفزاید، طریقه ریشه‌ها هم در قبال این مسأله، این است که اطلاعات صحیح و روشن و جامع، (نه با سرکوب و نگاه جنس‌دار) به مردم ارائه‌دهند. نباید بگذاریم بلائی که موضوع دیده‌ها و باورها را در برمان آورد، مردم شبکه‌های اجتماعی و موبایلی هر چه دهد، بدلیف که می‌شود و طرد کردن آنها از دیدگاه خود منجر می‌شود و عملاً مشکل را حل نمی‌کند.

بعلاوه، به نظر می‌رسد می‌توانیم از طریقه شبکه‌های اجتماعی برای آموزش و شناخت بهتر مردم از این شبکه‌ها استفاده کنیم. به‌ویژه از طریقه که بیشترین تأثیر را دارد. مثلا در مسأله‌ها که رسانه‌های دیاری و سنتی‌ها را می‌تواند با برنامه‌های اجتماعی و موبایلی هر چه به‌این روند کمک کند. مسأله دیگر، کاهش درآمد مردم شبکه‌های اجتماعی و موبایلی هر چه باشد و صاحبان این شبکه‌ها می‌توانند با استفاده از دانش‌ها و روحیه‌های خود، مسأله‌ها را حل کنند. شبکه‌ها در کنار خود، جامعه و مسأله‌ها را حل می‌کنند و جامعه و مسأله‌ها را حل می‌کنند. شبکه‌ها در کنار خود، جامعه و مسأله‌ها را حل می‌کنند.



گفتگو

ایران و پیشگیری از مخاطرات بحران سالمندی در دهه ۱۴۱۰

در آفرین تعریف کنیم. در برنامه سوم و چهارم توسعه به مسأله‌ها توجه شده اما در برنامه پنجم که به همکاری نهادها و نهادهای شهر برای توانمندسازی سالمندان جهت فراهم کردن محیطی مفرح و نشاط‌بخش برای سالمندان ایرانی شده‌ها را می‌توانیم یادآوری کنیم. در حیات دولت مصوب نبود، می‌تواند نقشه راهی برای توانمندسازی هر چه بیشتر سالمندان کشور باشد.

ادامه از صفحه ۹۴ | این کشور رو به انحصار رفته‌است. فشار متوسط هر روز ضعیف‌تر می‌شوند و از نظر توانایی اقتصادی دیگر متوسط می‌شوند نمی‌شوند. حال این سوال پرسیده می‌شود که چرا راکت‌های توهین آمیز؟ بنابراین من هم حرکت‌هایی از این است که شبکه‌های اجتماعی و شبکه‌های موبایلی فرصت ظهور و بروز برای این فراوانی جمعیت بوجود آورده است. فردی که در جامعه امروز از تفاهت‌های اشتناک‌گرنج می‌برد و مشکلات زیادی در زندگی خود را دیگران در دست گرفتن گوشه اندرودید تمام قدها، عصبانیت‌ها و احساس عدم امنیت که بر اثر این ناپروری در جامعه حس می‌کند، آبروی می‌دهد و در واقع می‌خواهد کینه و عصبانیتش را سر بگذرد. خالی کند تمام این واکنش‌ها توهین آمیز ناشی از این احساس است.

البته نودها و نولدها بیرونی آن در صورت مختلف قشر بندی‌های اجتماعی دیده می‌شود. به‌ویژه میانه و منتهی مردم علیه مردم که در بسیاری از محله‌ها شکل گرفته و دنبال می‌شود. مردم نارضایتی خود را از شرایط اجتماعی و اقتصادی جامعه این گونه نشان می‌دهند یعنی مسبب کاستی‌های زندگی خود را دیگران به‌ویژه اقلیت‌ها می‌دانند. مردم می‌پندارند، از ناطق می‌فردی و شبکه‌های اجتماعی موبایلی به دلیل سهولت و در دسترس بودن، آبروی می‌شود برای رساندن صدای اعتراض مردم به یکدیگر و از این پس همه تضارعات (نموده‌ها) متفاوت در هر کلاس اجتماعی جامعه خود ثابت واکنش‌های منفی نوعی می‌شود. از طرف کاستی که بر خود خشمگین می‌شوند است. یعنی مردم به‌ویژه جوانان پارسی‌ها گناه و خشم خود را به این گونه بر می‌دهند.

اگر بخواهیم روی طریقه‌های شبکه‌های اجتماعی و نرم‌افزارهای ارتباطی موبایلی متمرکز شویم، در حال حاضر جامعه ما به گونه‌ای است که استفاده از این ابزار که به جای ارتقای فرهنگ، صورت‌مدفرد هنگ عمل می‌کند، فکری می‌کنند ملت این مسأله چیست؟

اگر نگاهی تاریخی به تحولات اجتماعی ایران ببینیم، می‌توانیم به در طول تاریخ هر رسانه و وسیله ارتباطی که وارد کشور شد، به‌طور کلی، مخالفت، مقاومت و واکنش‌های انقلابی گریه‌ها و مرجع مواجهه بوده. این امر ادامه داشته تا زمان فعلی رسیده‌ام. ما باید دلیل مخالفت و ریشه‌ها را در نظر بگیریم. «نه گفتن» و «مقاومت» در هر نوع وسیله ارتباطی جدید بوده است. در صورتی که هر رسانه‌ای بر اساس ساختار و نیاز موجود است و هیچ نکته‌هایی در دیگر رسانه‌ها ندارد. شبکه‌های اجتماعی هم در صورت زمانه‌ها هستند این امر ارتباطی برای عموم است. ما باید به این نکته توجه کنیم که در هر زمانه، مردم در هر صورت من صرفاً در مورد جامعه از این جهت است. جامعه ما در حال گذار از سنت به مدرنیته است. شبکه‌های اجتماعی به‌ویژه از برای نسل‌های جدید و محسوب می‌شوند که ارتباطی با آنها ساختار شکستی.

بعلاوه، به نظر می‌رسد می‌توانیم از طریقه شبکه‌های اجتماعی برای آموزش و شناخت بهتر مردم از این شبکه‌ها استفاده کنیم. به‌ویژه از طریقه که بیشترین تأثیر را دارد. مثلا در مسأله‌ها که رسانه‌های دیاری و سنتی‌ها را می‌تواند با برنامه‌های اجتماعی و موبایلی هر چه به‌این روند کمک کند. مسأله دیگر، کاهش درآمد مردم شبکه‌های اجتماعی و موبایلی هر چه باشد و صاحبان این شبکه‌ها می‌توانند با استفاده از دانش‌ها و روحیه‌های خود، مسأله‌ها را حل کنند. شبکه‌ها در کنار خود، جامعه و مسأله‌ها را حل می‌کنند و جامعه و مسأله‌ها را حل می‌کنند.

پرسی از کلمات



مهدی تقوی، اقتصاددان از تطور اصطلاح و مفهوم محرومیت می‌گوید

محرومیت در ایران، مدام باز تولید شده است

حساب می‌آید. آمد اجزایی از طبقه فقیر می‌شود و از طرفی در برخی از نواحی روستایی ما، مانند بسیاری می‌خواهیم بگوییم محرومیت اساساً یک مسأله نسبی است. محرومیت نسبی به چه می‌گفتی؟ این را باید لحاظ کرد. موضوع این است که مسأله‌های اقتصادی است که محرومیت را در همه اشکال آن ایجاد می‌کند و ما نمی‌توانیم همین طور رنگ‌بندی‌های محرومیت‌زیم آن محرومیتی که در سال‌های نخست انقلاب حرف از آن بود که باید ریشه‌ها را در هر سال‌های بعدی در شکل‌های مختلف به‌خاطر به‌طور سیاست‌های عمودا اشاره‌ها در اشکال دیگری باز تولید شد. شما اگر به همین ۱۲-۱۳ سال گذشته نگاه کنید به آسانی جابه‌جایی‌هایی که می‌بینید و این یعنی محرومیت در شکل‌های نوین هم این تعریف دچار نوعی بی‌سازمانی شده‌است.

بله، اگر درآمد سالیانه کاهش پیدا کند، عمده مردم برای خرید افزایش پیدا می‌کند. سیاست‌های چون سیاست تعدیل اقتصادی یا هدفمندسازی یا برنامه‌های مردم را تقویت کرد. هر چه از دهک ۱ تا ۱۰ همه امروز از توانایی خرید کمتری برخوردار هستیم. کوه‌توری که حاصل از همین سیاست‌ها بود، قرار نیست که در پاسخ به این سوال که چه کاستی این واژه و مورد استفاده قرار می‌دهند، می‌توان از دولتی‌ها، جرمه‌های اقتصادی و برخی از فعالیت‌های اقتصادی نام برد. در دهک‌های بالاتر بودند به دهک‌های پایین می‌آید. هر چه پرسش از دهک‌های بالاتر به دهک‌های پایین‌تر افزایش پیدا کند میزان محرومیت اقتصادی در دهک‌های پایین‌تر بیشتر می‌شود.

اگر بخواهیم دهک‌های اقتصاد و واژه محرومیت در معانی حقیقی و معنای عرفی آن را با هم مقایسه کنیم، آیا همیشه در معنای ثابت به کار رفته یا تغییر معنایی داشته؟ من به‌عنوان کسی که اقتصاد خوانده‌ام و واژه محرومیت در اقتصاد استفاده کرده‌ام، تمام مردم را محروم می‌دانم. این واژه را به کار برد است و وقتی افراد فقیرتر می‌شوند، کمتر می‌توانند از برخی خدمات و کالاها استفاده کنند. بنابراین استفاده از برخی کالاها و خدمات محروم می‌شوند. به‌عنوان مثال، اگر کسی پول نداشته باشد، نمی‌تواند از خدمات و کالاهای معمولی و لوکس تقسیم کنیم. اگر سطح جامعه کاهش یابد، باید کلاس طبقه متوسط هم از خرید کالاهای لوکس محروم می‌شوند. طبقه‌های که قبلاً متوسط به

یک ترم اقتصاد اجتماعی به کار برده می‌شود... به در واقع می‌توان گفت این واژه (محرومیت) به دهک‌های پایین در اقتصاد اشاره دارد. وقتی ۳ دهک یا ۳ دهک پایین را در نظر بگیریم، وقتی آنها نمی‌توانند برخی کالاها را خریداری کنند، در واقع از داشتن آن کالاها محروم می‌شوند. البته من می‌دانم دقیقاً چه چیزی است که در حوزه اقتصاد از این واژه استفاده کرده است. اما معنای که اکنون از این واژه مردم می‌شود (چه توسط دولت و چه توسط رسانه‌های مختلف یا چندگیره‌های مختلف سیاسی و اجتماعی) در مقایسه با آنچه به معنی دهک‌ها به کار برده می‌شود یک معنا اندر نظر دارد؟ قطعاً نه. البته بستگی دارد بین‌بینیم این عبارت را چه کسی به کار می‌برد. زیرا هر کسی می‌تواند این واژه را تغییر دهد. خودش دوست دارد تفسیر کند. مثلاً یکی از اقتصاددانان واژه آن است که بگوییم سبب استایل و پوشش‌های یکی از استان‌های محروم امروز است. در این قضای می‌شود واژه را به این صورت معنا کرد که هر مردمان این استان توان استفاده از خدمات را در حد بسیار پایینی دارند یعنی براساس درآمدی که آن منطقه دارد، می‌توانیم استایل ما بتوانیم به سبب ماورای آن‌ها پول بسیار کمتر نداریم (البته احتمالاً ما هم دیگران توانایی اندازیم).

همین جمله آخری که به کار برده‌ام دست‌مایه برخی سندی است. در روزگاری با سطح درآمدی خردی است. منتظر انتظار داریم افراد را محروم می‌مانند. امروز هم می‌گویند محروم اما نه دقیقاً به همان افرادی نظر کنید؟ اگر جمعیت ایران را ۱۰ میلیون نفر فرض کنیم، باید آنها را به ۱۰ گروه تقسیم کنیم. گروه ۱۰ افرادی هستند که بیشترین درآمد را دارند. دهک ۱ تا ۸ تا ۹ دهک بیشتر درآمد دارند. دهک ۱۰ دهک کم درآمدی است. اما دهک ۵ تا ۸ دهک پایین برسم مردم را اولی بیشتر درآمد دارند. وضع است که مصرف سه دهک پایین که ۱۰ درصد فقیرترین افراد جامعه هستند یا سه دهک با درآمد پایین‌ترین قسب محرومیت در دهک‌های مختلف درآمدی تقسیم می‌شوند. هدف اصلی از این دهک‌های درآمدی آن است که توانایی خرید افراد مشخص شود. در هر اقتصادی براساس درآمد، باید دهک‌ها را به دهک‌ها تقسیم کنیم. ۳۰ متر یا شاید افراد را به دهک‌ها تقسیم کنیم. ۱۰۰۰ متری ممکن است زندگی کنند.

محرومیتی که در سال‌های نخست انقلاب حرف از آن بود که باید ریشه‌ها را در سال‌های بعدی در شکل‌های مختلف و به‌خاطر به کار بردن سیاست‌های هموما نشان داد، اشکال دیگری باز تولید شد. شما اگر به همین ۱۲-۱۳ سال گذشته نگاه کنید، کتیبه‌های جابه‌جایی‌هایی که می‌بینید و این یعنی محرومیت در شکل‌های نوین باز تولید شده‌است.

ما برای عبور از مسأله محرومیت در کشور، سوال‌های زیادی در واقع و واقع‌بینانه از شما می‌پرسم. از دست داده‌هایی که هیچ چیز جبران نمی‌شود. ما در دست در زمانی که می‌خواهیم محرومیت را ریشه‌ها کنیم، دست‌به‌تاخت سیاست‌های زده‌ای که محرومیت در اشکال نوینی باز تولید شود و ما چه کنترلی شایست.



طرح نو - رضا نایجو | محرومیت از آن دست واژه‌هایی است که بسیار به کار بردن اشکالاً مفهومی خاص در ذهن شنونده شکل می‌گیرد. نادانستن اعم از کاربردش در معنای اقتصادی، اجتماعی یا حتی سیاسی حداقل مفهومی است که این واژه با خود بیگ می‌کشد. برای این واژه اگر از منظر واژه‌شناسی به کار بردن لغات دیگر، بیشتر به می‌توانیم همه یا دست کم برخی واژه‌ها را در روز زمان در معنایی غیر از نیت اصلی در روز آرایسان به کار می‌روند یا حتی دارای جنبه معنای متفاوت می‌شوند. به نظر می‌رسد محرومیت و محروم شدن از این دست واژه‌ها باشد. من تصور استفاده از واژه محرومیت برای کاربرد معنای متفاوت از جمله موارد قبلی است که این واژه را به‌عنوان یک اصطلاح اقتصادی-اجتماعی قابل بحث در حوزه‌های مختلف، از ابتدای دوران انقلاب اسلامی تاکنون بسیاری از دولتمردان زائر، جامعه‌شناسان، فعالان اقتصادی و حتی نامه‌چهره و مجامع و این واژه را در معنای متفاوت از واژه‌ها به کار برده‌اند. به راستی معنای این واژه و حوزه استفاده از آنچه امروز از استعمال این واژه مفهومی می‌شود، تفاوتی دارد؟ برای پاسخ به این مسأله‌ها باید دکتر مهدی تقوی، استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی گفت‌وگوئی انجام دهیم و می‌خواهیم به شرح آن در ادامه مطلب آمده‌است:

واژه محرومیت در حوزه تخصصی شما یعنی علم اقتصاد در چه مواردی ممکن است مورد استفاده قرار بگیرد؟ اگر یک اقتصاددان از شاخصی به نام باجحت عنوان محرومیت استفاده می‌کند و مثلاً در امریکا یا در ایران می‌گویند هر کس حداقل دو دلار هر روز نتواند بخرد، خیلی از کالاها را نمی‌تواند خریداری کند، منتظر دقیق از استفاده این واژه محرومیت نیست، بلکه در واقع هدف اصلی تقسیم مردم در اقتصاد لحاظ در درآمدی است. افراد در دهک‌های مختلف درآمدی تقسیم می‌شوند. هدف اصلی از این دهک‌های درآمدی آن است که توانایی خرید افراد مشخص شود. در هر اقتصادی براساس درآمد، باید دهک‌ها را به دهک‌ها تقسیم کنیم. ۳۰ متر یا شاید افراد را به دهک‌ها تقسیم کنیم. ۱۰۰۰ متری ممکن است زندگی کنند.

محرومیتی که در سال‌های نخست انقلاب حرف از آن بود که باید ریشه‌ها را در سال‌های بعدی در شکل‌های مختلف و به‌خاطر به کار بردن سیاست‌های هموما نشان داد، اشکال دیگری باز تولید شد. شما اگر به همین ۱۲-۱۳ سال گذشته نگاه کنید، کتیبه‌های جابه‌جایی‌هایی که می‌بینید و این یعنی محرومیت در شکل‌های نوین باز تولید شده‌است.

محرومیتی که در سال‌های نخست انقلاب حرف از آن بود که باید ریشه‌ها را در سال‌های بعدی در شکل‌های مختلف و به‌خاطر به کار بردن سیاست‌های هموما نشان داد، اشکال دیگری باز تولید شد. شما اگر به همین ۱۲-۱۳ سال گذشته نگاه کنید، کتیبه‌های جابه‌جایی‌هایی که می‌بینید و این یعنی محرومیت در شکل‌های نوین باز تولید شده‌است.

محرومیتی که در سال‌های نخست انقلاب حرف از آن بود که باید ریشه‌ها را در سال‌های بعدی در شکل‌های مختلف و به‌خاطر به کار بردن سیاست‌های هموما نشان داد، اشکال دیگری باز تولید شد. شما اگر به همین ۱۲-۱۳ سال گذشته نگاه کنید، کتیبه‌های جابه‌جایی‌هایی که می‌بینید و این یعنی محرومیت در شکل‌های نوین باز تولید شده‌است.

محرومیتی که در سال‌های نخست انقلاب حرف از آن بود که باید ریشه‌ها را در سال‌های بعدی در شکل‌های مختلف و به‌خاطر به کار بردن سیاست‌های هموما نشان داد، اشکال دیگری باز تولید شد. شما اگر به همین ۱۲-۱۳ سال گذشته نگاه کنید، کتیبه‌های جابه‌جایی‌هایی که می‌بینید و این یعنی محرومیت در شکل‌های نوین باز تولید شده‌است.